

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال ششم (۱۳۹۵)، شماره پانزدهم

ارتباط ارگانیک میان سوره‌های صف و جمعه (محتوا، موسیقی کلام، تصویر هنری)

سید مصطفی مناقب^۱
محمدجواد سعدی^۲
رحمت‌الله عبدالله زاده^۳
محمدهادی امین ناجی^۴
قاسم جعفری^۵

چکیده

سوره‌های صف و جمعه، چهارمین و پنجمین سوره از سوره هفتگانه مسبّحات است. از میان هفت سوره مسبّحات، تنها همین دو سوره تتابع داشته‌اند. این دو سوره به لحاظ محتوایی دارای مضامین مأنوس و مشترک زیادی است که می‌توان آن‌ها را وجه اصلی ارتباط این دو سوره تلقی کرد و معارف مطرح‌شده را بر محور کلی عدم سرپیچی از دستورات خداوند و عتاب مؤمنان در هنگام سرپیچی، استوار دانست. تصویرسازی هنری و موسیقی کلام که ابزارهای دیگر ارتباط هستند در خدمت متن بوده و در این دو سوره از عناصر مشترک تصویر هنری و موسیقی کلام استفاده شده است. در پژوهش حاضر به این نکته پرداخته شده که به‌طورقطع، موضوع واحد در ارتباط ارگانیک دو سوره، نقش اصلی را بر عهده دارد و نمی‌توان گفت که ارتباط ارگانیک میان دو سوره از توفیقی بودن ترتیب سوره‌ها حکایت دارد. واژگان کلیدی: سوره صف، سوره جمعه، ارتباط ارگانیک، پیام سوره، موسیقی کلام، تصویر هنری.

۱. استادیار دانشگاه پیام نور / falsafe_42@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه پیام نور / m_sadi@pnu.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه پیام نور / abdollahzadeh-arani@yahoo.com

۴. استادیار دانشگاه پیام نور / ma_NAJEE@pnu.ac.ir

۵. دانشجوی دوره دکتری مدرسی معارف اسلامی (دانشگاه پیام نور) / Jafariqasem@yahoo.com

۱- مقدمه

رسیدن به غرض اصلی سوره‌های قرآن کریم و همسانی سوره‌های مجاور از بُعد ساختار لفظی و محتوایی با دقت و تأمل در هر سوره، موضوعی است که کم‌وبیش در میان اندیشمندان علوم قرآنی و مخصوصاً مفسران متقدم و متأخر مورد توجه بوده و به‌ویژه در سال‌های اخیر بیشتر مورد اهتمام قرار گرفته است. تحقیق حاضر به بررسی این روابط ساختاری میان سوره مذکور با توجه به ارتباط ارگانیک آن‌ها که به ارتباط آشکار و پنهان میان اجزای سوره تعریف شده (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷، ص ۲۳)، پرداخته است. این بدان معناست که بین آیات قرآن روابط و مناسباتی حاکم است و روابط موجود در پرتو یک غرض واحد، شکل منطقی و قابل قبول به خود می‌گیرد و ارتباط ارگانیک آیات، نتیجه وجود یک سیستم واحد و هندسه معرفتی در سوره است (خامه‌گر، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

برای رسیدن به این هدف تلاش شده است با بهره‌گیری از آراء و اقوال مفسران و محققان عرصه قرآن، و تحقیقاتی که در زمینه ارتباط ارگانیکی سوره قرآنی صورت گرفته است، با پرداختن به مباحث نشانه‌شناختی^۱ دو سوره صف و جمعه، نقاط درخشان دیگری از اعجاز لفظی و معنایی بر مخاطبان این کتاب آسمانی آشکار گردد.

۱. نشانه‌شناسی (Semiotics) دانش بررسی فرایند دلالت دال بر مدلول خود بوده که نشان می‌دهد نشانه‌گذاری چگونه صورت پذیرفته و نشانه‌خوانی چگونه رخ می‌دهد و چه فرایندی را می‌پیماید. هر متنی همانند قرآن حاوی نشانه‌های زبانی است و مباحث ادبی و لغوی، تحقیقات بلاغی و معانی و بیان از کارهای نشانه‌شناختی محسوب می‌شود (قائم‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲). نشانه‌شناسی نصوص شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها از جمله «معناشناسی» و «کاربردشناسی» است و محقق قرآنی در پی کشف معنای این نشانه و ترکیب خاص است. او در تفاوت معنای جدی و استعمالی درمی‌یابد که خداوند متعال در خطاب «العزیز الکریم» به اهل جهنم: ﴿ذُوقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ﴾ (دخان: ۴۴/۴۹) مدلول را اراده نکرده و منظور، استهزا است (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۸، ص ۲۲۷) یا مدلول واقعاً قصد شده و مراد چیز دیگری است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۲، ص ۳۱۹). در علم اصول نیز بین «مراد جدی» و «مراد استعمالی» تفکیک می‌کنند (صدر، ۱۴۲۶، ص ۹۲). «معناشناسی» بیانی از اراده استعمالی و «کاربردشناسی» بیانی از اراده جدی است. عالم دین، نشانه‌های نصوص دینی را بحث نموده، روابط آن‌ها با یکدیگر و مدلولاتشان را بررسی می‌کند و قواعد معناشناختی و کاربردشناختی را به کار می‌گیرد تا معانی آن‌ها را دریابد.

با چنین رویکردی برای بررسی ارتباط ارگانیک^۱ میان دو سوره، بررسی ارتباط محتوایی، ارتباط موسیقی کلام و ارتباط تصویرآفرینی هنری باید مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به دو سؤال زیر است:

- ۱- چه وجوه مشترکی میان دو سوره صف و جمعه از لحاظ اهداف و محتوا مشاهده می‌شود؟
 - ۲- وجوه مشترک این دو سوره از لحاظ کاربرد موسیقی کلام و تصویرآفرینی هنری چیست؟
- این پژوهش با توجه به مباحث نشانه‌شناسی به بررسی ارتباط محتوایی و سپس تصویر هنری و موسیقی کلام در دو سوره مذکور پرداخته است.

۲- پیشینه تحقیق

با توجه به مصون بودن کتاب آسمانی مسلمانان از گزند تحریف، مستشرقان با جدیت بیشتری به بررسی زوایای آن پرداخته و ضمن تحسین این کتاب، برخی از ایشان اشکال عدم تناسب و تشنّت و پراکندگی آیات قرآنی را مطرح نمودند.

برخی از مستشرقان، کثرت انتقال قرآن در خطاب‌هایش از صیغه‌ای به صیغه دیگر و از حالتی به حالت دیگر (مثلاً از غیبت به خطاب و از ظاهر به مضمون) اشاره کرده و آن را دلیل عدم تناسب دانستند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۳۷۸) و یا جسته‌جسته بودن سبک قرآنی را نشانه عدم انسجام و آساق معنایی برشمرده‌اند (بل و وات، ۱۳۸۲، ص ۴۵). برخی نیز ضمن تحسین و حیرت‌انگیز دانستن کلمات و عبارات قرآن، نزول قرآن بر اساس پیشامد و احتیاجات روزانه پیامبر را موجب انقطاع بین غالب مطالب و فقرات می‌دانند (لوبون، ۱۳۴۷، ص ۱۲۷).

با مراجعه به کتب قدما درمی‌یابیم که بسیاری از مفسران و پژوهشگران علوم قرآن، به موضوع تناسب و ارتباط سوره پرداخته و بخشی از تفاسیر و کتاب‌های علوم قرآن به این موضوع اختصاص یافته است (حسین‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۳۴). برای نمونه می‌توان از تفاسیری مانند مجمع‌البیان، تفسیر کبیر فخر رازی، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، المنار، تفسیر مراغی، الالاساس فی التفسیر و شماری دیگر که از روابط میان سوره‌ها سخن گفته‌اند یاد کرد. گاه کتاب‌های جداگانه‌ای نیز در این باره به نگارش درآمده است از جمله «البرهان فی مناسبه ترتیب سور القرآن»

۱. واژه ارگانیک (Organic) علاوه بر معنای اسمی (سازمان) معنای معادل مصدری (سازمان‌دهی) نیز دارد. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه «سازمند» را به‌عنوان معادل مصوب نموده است. برخلاف ارتباط «مکانیکی» که همانندی اجزا عامل وحدت شده است، در ارتباط ارگانیکی، قطعات مختلف در عین همانند نبودن اما مانند یک ارگانیسم و اندام‌های موجود زنده با هم در ارتباط بوده و با تقویت متقابل به همدیگر جان می‌بخشند.

از ابوجعفر بن زبیر و «تناسق الدرر فی تناسب السور» از جلال‌الدین سیوطی. در دوران معاصر نیز برخی تحقیقات به صورت مجزا به ارتباط بین آیه‌ای و بین سوره‌ای دو سوره صف و جمعه و یا سوره‌های قرآن کریم توجه نموده‌اند که به برخی اشاره می‌شود:

- حرّی، ابوالفضل؛ «مناسبات درونی و بین آیه‌ای در سه سوره سوگنددار قرآن (نازعات، مرسلات، ذاریات)»؛ نشریه حسنا، ش ۳۵۳، صص ۳۴-۶۴، ۱۳۹۰ ش.

- فصیحی هرندی، مجید؛ «عوامل انسجامی در قرآن: سوره یوسف»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰ ش.

- قانعی، علی؛ «تناسب آیات»؛ مجله معرفت، ش ۱۲۲، صص ۷۹-۹۸، ۱۳۸۶ ش.

- فقهی‌زاده، عبدالهادی؛ «الانسجام الداخلي فی القرآن الکریم: تأملات فی تشیت مفاهیم القرآن»؛ نصوص معاصرة، ش ۱۷، صص ۲۳۶-۲۲۵، ۱۴۳۱ ق.

- خامه‌گر، محمد؛ «روش استنباط گزاره‌های علمی از ساختار سوره‌ها»؛ نشریه پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۷، صص ۱۳۹-۱۱۰، ۱۳۸۸ ش.

- عیوضی، حیدر؛ رهیافت تحلیلی بر سوره‌های قرآن؛ قم: ادیان، ۱۳۹۱ ش.

- بستانی، محمود؛ «عمارة السورة القرآنية: دراسة فی فنیتها»؛ نشریه منهاج، ش ۴، صص ۴۵-۲۴، ۱۴۱۷ ق.

با توجه به اشکال مستشرقان در مورد تناسب آیات قرآن، علمای معاصر علوم قرآنی در پی پاسخ‌گویی به این اشکالات برآمده و نکاتی که توسط ایشان مغفول مانده را متذکر شده‌اند؛ از جمله اینکه اگرچه قرآن به مناسبتی موضوعات مختلف را بیان می‌کند اما پس از دقت روشن می‌شود که میان آن‌ها نوعی ارتباط و پیوستگی خاص وجود دارد که سبب شده همگی در کنار یکدیگر قرار گیرند. از این مطلب با عنوان «اهداف سوره‌ها» یاد می‌شود (زمانی، ۱۳۹۱، ص ۵۹). تلاشی که «ایان ریچارد نتون» در بخش‌ها و آیات سوره کهف نموده و با کنار هم قرار دادن آن‌ها به مضامین و بن‌مایه‌های عمده سوره کهف رسیده و از آشوب و بی‌نظمی‌های ظاهری (فرضیه ابطال شده)، در نتیجه به یک هارمونی و نظم محتوایی سوق می‌یابد (نتون، ۱۹۹۲، صص ۱۶-۲۶). این نظم و انسجام در مقاله «بررسی پیوستگی و انسجام سوره صف» با رویکرد «زبان‌شناسی نقش‌گرا» دنبال شده است (ایشانی، ۱۳۹۲، ص ۶۵).

جعفر سبحانی نیز در نظر گرفتن استعداد و شایستگی و تکامل فکری جامعه در طرح اجمالی و تفصیلی مفاهیم عقلی و بلند قرآن از نظر خالق حکیم را متذکر می‌گردد (۱۳۷۵، ج ۱،

صص ۲۲-۲۳). در اینجا لازم است به اجمال به معرفی سوره‌های صف و جمعه و فضل و اهمیت آن‌ها اشاره شود.

۳-نگاهی گذرا بر دو سوره صف و جمعه

۳-۱- معرفی سوره صف و فضل آن

سوره صف، شصت و یکمین سوره قرآن کریم است. این سوره دارای دو رکوع است و ۱۴ آیه، ۲۲۱ کلمه و ۹۰۰ حرف دارد (رازی، ۱۴۰۸، ص ۱۷۴). از نظر ترتیب نزول، بیست و سومین یا بیست و پنجمین سوره نازل شده در شهر مدینه محسوب می‌شود (زرکشی، ۱۴۲۲، ص ۲۵۱) که طبق روایت‌های مختلف در ردیف‌های ۱۰۸ تا ۱۱۰ جای گرفته است (سیوطی، ۱۴۲۵، ص ۳۸ / طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۲)؛ و بنا به روایت مشهور صد و هشتمین سوره قرآن کریم است که بعد از سوره تغابن و قبل از سوره فتح، بعد از جنگ احد بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است (ابن عاشور، بی تا، ص ۱۵۵).

در این سوره از موضوعات متعددی از جمله تسبیح خداوند، مؤاخذه کسانی که به گفته خویش عمل نمی‌کنند، جهاد در راه خدا، قوم موسی (ع)، عذاب فاسقان، دعوت حضرت عیسی (ع)، بشارت نبوت پیامبر خاتم (ص)، کیفر منافقان، سیطره نهایی اسلام، تجارت با خدا، پاداش جهاد، وصف بهشت و بشارت فتح مکه سخن به میان آمده است و در نگاه اول ممکن است چنین به نظر رسد که بین مضامین آن ارتباطی وجود ندارد. طلب استغفار برای قاری این سوره توسط حضرت عیسی (ع) و رفیق او بودن در روز قیامت^۱ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۳۵۲)، در امان بودن از گرفتاری‌های سفر^۲ (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۳۶۱) و قرار گرفتن در صف فرشتگان و پیامبران^۳ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸۲، ص ۳۷) از فضیلت‌های تلاوت این سوره است.

۳-۲- معرفی سوره جمعه و فضل آن

در ترتیب سوره، سوره جمعه بعد از سوره صف قرار گرفته و بیست و چهارمین سوره نازل شده در شهر مدینه است (زرکشی، ۱۴۲۲، ص ۲۵۱). این سوره دارای دو رکوع است و ۱۱ آیه، ۱۸۰ کلمه و ۹۲۰ حرف دارد (رازی، ۱۴۰۸، ص ۱۹۰) و بنا به روایت مشهور صد و هشتمین

۱. «وَعَنْهُ (ص) قَالَ مَنْ قَرَأَ سُورَةَ عِيسَى (ع) كَانَ عِيسَى مُصَلِّياً مُسْتَغْفِراً لَهُ مَا دَامَ فِي الدُّنْيَا وَ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَفِيقَهُ».

۲. «قال الصادق (ع): من أدمن قراءتها في سفره أمن من طوارقه، و كان محفوظاً إلي أن يرجع إلي أهله بإذن الله».

۳. «عَنِ الْبَاقِرِ (ع): مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الصَّفِّ وَ أَدْمَنَ قِرَاءَتَهَا فِي فَرَائِضِهِ وَ نَوَافِلِهِ صَفَّهُ اللَّهُ مَعَ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ».

سوره قرآن کریم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۳) که بعد از سوره صف و قبل از سوره تغابن بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است (زرکشی، ۱۴۲۲، ص ۲۵۱).

۴- فضل و اهمیت و قرائت سوره جمعه

در فضیلت تلاوت آن نقل شده کسی که سوره جمعه را بخواند به تعداد کسانی که در شهرهای مسلمانان در نماز جمعه شرکت می‌کنند و کسانی که شرکت نمی‌کنند، ده نیکی به او می‌بخشند^۱ (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۲۱). خواندن آن در شب جمعه، همراه سوره اعلی و نیز خواندن همراه سوره منافقین در نماز ظهر جمعه، پاداش بهشت را در پی دارد^۲ (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۸۹ / بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۳۷۱). اکنون به بیان اغراض و محتوای دو سوره صف و جمعه می‌پردازیم تا به یک وجه جامع محتوایی در این دو برسیم.

۵- بررسی اغراض و محتوای سوره‌های صف و جمعه

۵-۱- اغراض و محتوای سوره صف

با نگاهی کلی به ۱۴ آیه سوره صف می‌توان اغراض سوره صف را چنین برشمرد:
(۱) ترغیب و تحریک مؤمنان برای جهاد در راه خدا (صف: ۶۱/۴): غرض اصلی سوره صف این است که مؤمنان را برای جهاد در راه خدا ترغیب و تحریک نماید (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۹، ص ۵۰۲/ زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۲۸، ص ۱۵۸). خداوند وعده می‌دهد: این دین، نوری است فراگیر و درخشان، اگرچه کفار اهل کتاب می‌خواهند که این نور همه‌گیر را با دهان خود خاموش کنند ولی خداوند می‌فرماید این دین فراگیر خواهد شد هرچند که مشرکان نخواهند (صف: ۶۱/۸).
(۲) اشاره به ادیان آسمانی گذشته و بشارت ایشان به پیامبر خاتم (صف: ۶۱/۳-۶):

۱. «عنه (ص) قال: من قرأ سورة الجمعة اعطى عشر حسنات بعدد من أتى الجمعة و بعدد من لم يأتها في أمصار المسلمين».

۲. «عن أبي عبد الله (ع) قال: من الواجب على كل مؤمن إذا كان لنا شيعة أن يقرأ في ليلة الجمعة بالجمعة و سبح اسم ربك و في صلاة الظهر بالجمعة و المنافقين فإذا فعل فكأنما يعمل عمل رسول الله و كان ثوابه و جزاؤه على الله الجنة».

این سوره به موضوع نبوت پیامبر (ص) می‌پردازد و تنها جایی است که از پیامبر (ص) با واژه مبارک «احمد»^۱ نام برده است. با توجه به اینکه اساساً دین اسلام، ادیان آسمانی پیشین مخصوصاً مسیحیت و یهودیت را قسمتی از روند رشد خود در طول تاریخ می‌خواند (یونس: ۳۷/۱۰) و در کنار آن ظهور اسلام را امری مسلم و خبر داده شده و مورد انتظار از سوی تمامی ادیان سابق می‌خواند (صف: ۶۱/۳-۶). در این سوره خطاب به مؤمنان است که کمر همت بر اطاعت پیامبرشان ببندند و آنچه آن بزرگوار می‌فرماید، امتثال امر کرده، در راه خدا جهاد نموده و خدا را در دینش یاری کنند تا خدای تعالی به سعادت آخرتشان رسانیده و یاریشان کند و در دنیا فتح و فیروزی نصیبشان نموده و بر دشمنان پیروزشان گرداند (صف: ۶۱/۱۰-۱۳).

۳) توصیه به هماهنگی گفتار و عمل از موضوعات مهم این سوره است که می‌فرماید: مؤمنین هرگز آنچه را که خود عمل نمی‌کنند به دیگران نگویند و در آنچه وعده می‌دهند خلف وعده ننمایند که این گونه اعمال مستوجب خشمی از خدا شده و رسول خدا (ص) را آزار می‌دهد و این خطر را هم دارد که خدا دل‌هایشان را منحرف سازد همان گونه که با قوم موسی (ع) چنین کرد (صف: ۶۱/۲-۳).

۴) تسبیح و تنزیه خداوند متعال و اشاره به عظمت خداوند در آسمان و زمین (صف: ۶۱/۱): در مورد آغاز سوره صف با تسبیح و تنزیه، نظراتی بیان شده است از جمله اینکه شروع سوره با تسبیح و تنزیه خدا برای این است که در این سوره سخن از بدی‌ها و توبیخ مؤمنان رفته است (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۹، ص ۵۰۲). صاحب تفسیر «المنیر» محور موضوعی سوره صف و موضوع اصلی این سوره را جنگ و جهاد با دشمنان و فداکاری در راه خدای تعالی و بیان پاداش عظیم مجاهدان می‌داند و اگر شروع سوره به تسبیح خدای منزّه است این به خاطر توجه به عظمت خدای تعالی و جایگاه رفیع اوست (زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۲۸، ص ۱۵۸).

«شحاته» اهداف اصلی سوره صف را چنین برمی‌شمارد:

هدف اول: دعوت به جهاد و تشویق بر آن و هشدار از دوری از آن و فرار از جهاد و بیان پاداش و فضیلت آن و تأکید وحدت امت اسلامی و به هم پیوستگی آنان جهت ایجاد یک صف متحد با پایه‌های محکم که از آن به «بنیان مرصوص» نام برده است.

۱. در تواریخ آمده است که پیامبر اسلام (ص) از کودکی دو نام داشت و حتی مردم او را با هر دو نام خطاب می‌کردند؛ یکی محمد و دیگری احمد. اولی را جدش عبدالمطلب برای او برگزیده بود و دومی را مادرش آمنه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۷۸).

هدف دوّم: بیان وحدت و یکپارچه بودن اهداف همه پیامبران و مسیر نبوت و رسالت است (شحاته، ۱۹۸۶، ج ۲، صص ۲۷۶-۲۷۷ / ابن عاشور، بی تا، ج ۲۸، ص ۱۵۵). همچنین مدرسی اعلام می کند که از سوره صف، چند روزنه درخشان دریافت می کنیم: ربّانی بودن و صبغه الهی داشتن رسالت، برداشتن فاصله بین نظر و عمل، «بنیان مرصوص» دانستن مسلمین (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۶۱۰/ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۳۶).

۵-۲- اغراض و محتوای سوره جمعه

اهمیت محتوایی و ژرفای سوره جمعه به قدری است که ملاصدرا اهتمام ویژه‌ای به تفسیر این سوره داشته و با توجهی خاص، یک بخش از تفسیر خود را به سوره جمعه اختصاص داده است (اکبری دستک، ۱۳۸۹، ص ۱۹۶).

«شحاته» در مورد مهم ترین هدف و مقصود سوره جمعه می گوید: در این سوره، به تربیت مسلمین و اجتماع آنان بر محور حق و ایمان و فراخوانی آنان بر اهتمام به نماز جمعه و امتناع از اشتغال به امور دیگری از قبیل بازی و سرگرمی و خرید و فروش توجه شده است و این امور را با بیان اینکه همه چیز به تسبیح و حمد و ثنای خدای متعال مشغول است، زمینه چینی و مقدمه سازی کرده است و بر عرب با فرستادن پیامبر هدایت و رحمت مَنّت نهاده تا به سوی خیر و نیکی هدایتشان نماید و به پاکی و فضایل انسانی رهنمونشان باشد.

سوره جمعه، مسلمانان و یهود را با هم مقایسه کرده و یهود را به خاطر سهل انگاری شان در برابر تعالیم تورات و دوری جستنشان از آن، پست شمرده و آنان را به الاغی که کتاب های علم و دانش با خود حمل می کنند ولی از آن بهره نمی جویند تشبیه کرده و از این تشبیه خواسته بگوید که آنان با اینکه دیدند که تورات، آمدن پیامبر رحمت (ص) را بشارت داده و مردم را به ایمان به آن پیامبر فراخوانده ولی آنان از این کلام هدایتگر تورات بهره نجستند و خود را از بهره مندی از آن محروم نمودند (شحاته، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۲۸۶).

«علامه طباطبایی»، «ابن عاشور» و «قرشی» می گویند: این سوره مسلمین را به بیانی کاملاً انگیزاننده و ادار می کند به اینکه نسبت به نماز جمعه اهتمام بورزند و در آخر به عنوان نتیجه، دستور می دهد که وقتی بانگ نماز جمعه بلند می شود بازار و دادوستد را رها نموده به سوی ذکر خدا بشتابند (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۹، ص ۵۳۰).

«ملاصدرا» و «زحیلی» نیز نماز جمعه را مهم ترین غرض این سوره و دربردارنده پایه های حقایق عرفانی، از معرفت خداوند سبحان گرفته تا حقیقت مبدأ و معاد و چگونگی بعثت، ارسال

پیامبر (ص) و بیان صفات وی: تلاوت‌کننده آیات قرآن بر قومش و تعلیم و نزول قرآن و ماهیت کتاب آسمانی و نبوت و هدایت بشری می‌دانند (خواجوی، ۱۳۶۳، ص ۱۴۰/ زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۲۸، ص ۱۸۲). «مکارم شیرازی» می‌گوید: مطالب این سوره بر دو محور اساسی دور می‌زند: نخست توجه به توحید و صفات خدا و هدف از بعثت پیامبر اسلام (ص) و مسأله معاد و دیگر برنامه سازنده نماز جمعه و بعضی از خصوصیات این عبادت بزرگ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۱۷۴).

غرض اصلی سوره جمعه، اهتمام به نماز جمعه و نقش سازنده آن در ارتقای جامعه مسلمین از لحاظ اجتماعی، سیاسی و معنوی و تقویت صفوف مسلمانان و ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان و پرده‌برداری از روحیه تزویر و دروغ قوم یهود است و در مجموع، این سوره بر دو محور مهم توحید و صفات خدا و یادآوری معاد تأکید دارد.

۶- کارکرد تصویر هنری در دو سوره صف و جمعه

قرآن کریم برای بیان روشن خود، تصویری هنری ارائه می‌کند و این به جنبه هدایتگری قرآن برمی‌گردد که بهترین زبان یعنی زبان هنری تصویری را برمی‌گزیند. در ادامه به برخی از این تصویرگری‌های هنری قرآن کریم در دو سوره صف و جمعه می‌پردازیم.

۶-۲- کارکرد تصویر هنری در سوره صف

تصویر و نمایش، ابزار ارزشمندی در اسلوب قرآن کریم است که از آن، با عنوان «صورت احساسی - خیالی از معنای ذهنی» تعبیر می‌شود، بدین گونه که از حالت روانی، حادثه محسوس و نمونه‌های انسانی سیمایی ترسیم می‌کند؛ سپس این سیماها رشد و ترقی کرده و به همه آن‌ها زندگی بخشیده شده، حرکت داده شده و ناگهان همین معنای ذهنی و خیال را یک هیکل زنده می‌بینی که دارای حیات است. با مستولی شدن عناصر تخیل بر همه این مناظر و تصویرها، سرانجام صحنه آن قدر نزدیک می‌گردد که شنونده یا خواننده ناگهان خود را با شتاب به مرکز حوادث منتقل می‌کند به گونه‌ای که گویا خود در حادثه حاضر است. آنچه این حوادث و حالات روانی و معنای ذهنی را بیان می‌کند فقط یک گروه از الفاظ جامد هستند.

تصویر و نمایش هنری برای نمایان ساختن هر هدفی در قرآن چه مجرد و چه معنوی و چه در مقام احتجاج و...، به واقعیت محسوس اعتماد کرده و به خیال‌پروری پرداخته است. این تصویر همراه با رنگ، حرکت، سازندگی، قانون وصف، تلاش در گفتار، نوای زنگ کاروان

کلمات، سوزش نغمه‌های عبارات و موسیقی آیات در نمایش سیمایی از سیماهای گوناگون شرکت می‌کند به گونه‌ای که چشم و گوش و حس و خیال، همه را در برمی‌گیرد (سید قطب، ۱۴۱۵، ص ۳۶).

در این دو سوره با توجه به موضوعات مطرح شده در آن از ابزارهای متفاوتی چون تمثیل یا تشبیه و گفتگو، قصه و ماجرا و ... برای تصویرسازی استفاده شده است (بستانی، ۱۳۸۲، ص ۸۵).

۶-۲-۱- تجارت سودمند و تصویرپردازی قرآن

خدای متعال در سوره مبارکه صف از یک تجارت پرسود سخن می‌گوید. تجارت از مناسبات خرید و فروش است. می‌فرماید ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (صف: ۶۱ / ۱۱-۱۰).

این تصویر از خلال ندا، استفهام طالب پاسخ، و نمایش تصویر تجارت سودمند و تحریک جان‌ها به سوی آن و به‌کارگیری این تصویر ذهنی برای تحقق غرض دینی، بر عنصر تحریک و تشویق تکیه می‌کند. این تصویر همچنین در روابط بافتی دیگر ادامه می‌یابد تا بر معانی ذهنی دلالت نماید، مثلاً انفاق در راه خدا با تصویر رایج «قرض» بیان می‌گردد. تصویر «قرض» با تصویر خرید و فروش و تصویر تجارت سودمند مرتبط می‌گردد و به جهان مادی و تعامل روزمره آدمیان وابسته است.

تصویر «قرض دادن به خداوند» در سبک قرآنی فراوان آمده است، چون تصویری است حسی و برگرفته از واقعیت زندگی آدمی که در ذهن و روانشان وجود داشته و بر معنایی ذهنی دلالت دارد که با مجسم نمودن و محسوس و ملموس نمودن، موجب تأثیرگذاری بر اندیشه و روان و خیال می‌گردد به طوری که در سوره تغابن که یکی دیگر از سوره مسبّحات قرآن کریم است می‌فرماید: ﴿إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ﴾ (تغابن: ۱۷ / ۶۴).

این تصویر در ادامه و در تحقق غرض دینی‌اش در تذکر به آدمی بیان می‌دارد که این خداوند است که روزی بندگان در دست اوست و هرگونه بخواهد قبض و بسط در آن ایجاد می‌کند. این

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند؟ به خدا و فرستاده او بگروید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید. این [گذشت و فداکاری] اگر بدانید، برای شما بهتر است.

۲. اگر خدا را وامی نیکو دهید، آن را برای شما دوچندان می‌گرداند و بر شما می‌بخشاید.

دو تصویر ثروت و فقر، در بیان و بافت، در مقابل هم قرار می‌گیرند تا با تصویر «قرض دادن خداوند» برای تقویت و رشد و توسعه آن در اندیشه و احساس آدمی ادامه یابند و آنگاه انسان را ترغیب می‌کند تا با قرض دادن به خداوند، جان خود را از بخل‌ورزی پاک نماید (سیدی، ۱۳۸۷، صص ۱۳۹-۱۴۰).

۶-۳- کارکرد تصویری هنری در سوره جمعه

۶-۳-۱- معنی مرگ و تصویرپردازی قرآن

قرآن کریم گاه از تصویر مرگ و معانی مربوط به آن سخن می‌گوید؛ گویی مرگ، شخصی است حاضر که آدمی را در طول زندگی‌اش تعقیب می‌کند تا بر او چیره گردد. آنجا که می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ...﴾ (جمعه: ۸/۶۲) یعنی تصویر مرگ را به صورت شخصی زنده، متحرک و تعقیب‌کننده آدمی ترسیم می‌نماید که او هم از ترس و وحشت می‌گریزد و مرگ همچنان در تعقیب وی است و آدمی هم پیشاپیش مرگ حرکت می‌کند تا اینکه او را درمی‌یابد (راغب، ۱۳۸۷، صص ۱۵۵-۱۵۶).

۶-۳-۲- عالم بی‌عمل و تصویرسازی قرآن

یکی دیگر از تصویرگری‌های زیبای قرآن پیرامون اهل کتاب است و از میان اهل کتاب تکیه بر یهود است. مثل آیه: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^۲ (جمعه: ۵/۶۲).

تصویرسازی در اینجا بر تصویر الاغ برای حقیر نشان دادن جایگاه یهودیان و سرزنش آنان تکیه دارد چون تصویر آن بر مشبه منطبق است. یهودیان تورات را در عقل و سینه‌شان جای دادند ولی از اندیشه‌ها و احکام آن و دعوت به ایمان به احمد، پیامبر بعد از موسی (ع) بهره‌ای نبرده‌اند، لذا مثال ایشان به سان الاغی است که کتاب‌های ارزشمندی را بر پشت خود حمل می‌کند ولی از محتوای آن خبری نداشته، از آن بی‌بهره است و تنها رنج و سختی، حاصل کار آنان است.

۱. بگو: آن مرگی که از آن می‌گریزید، قطعاً به سروقت شما می‌آید آنگاه به‌سوی دانای نمان و آشکار، بازگردانیده خواهید شد.

۲. مثل کسانی که تورات بر آنان بار شد، آنگاه آن را به کار نیستند، همچون مثل خری است که کتاب‌هایی را بر پشت می‌کشد. چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند؛ و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید.

این تصویر، تصویری است مرکب نه مفرد و در کنار این تصویر، حقارت و خواری یهود را نیز با خود به همراه دارد و لذا بلافاصله می‌گوید ﴿يَسْ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهِ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^۱ (جمعه: ۵/۶۲) (راغب، ۱۳۸۷، صص ۲۲۶-۲۲۷).

با بیان اغراض، محتوا و تصاویر هنری در سوره‌های صف و جمعه، به وجوه نشانه‌شناختی و ارتباط ارگانیک محتوایی موسیقایی این دو سوره می‌پردازیم:

۷- ارتباط ارگانیک محتوایی دو سوره صف و جمعه

برای پی بردن به ارتباط ارگانیک محتوایی دو سوره، آن‌ها را از نظر ساختار و نشانه‌ها بررسی می‌نماییم تا با یافتن ساختارها و مضامین مشترک، ارتباط و نیز چگونگی این ارتباط تبیین گردد. ارتباط محتوایی بین دو سوره صف و جمعه توسط محققان پیشین قرآنی نیز بررسی شده، چنانچه سیوطی ذیل سوره جمعه، چند نکته در تناسب این سوره با سوره پیشین (صف) عنوان می‌کند. اول آنکه در سوره صف ذکر یهود و نصارا - که خود را قوم برگزیده می‌دانند - رفته (صف: ۶۱/۱۴، ۶-۵) و در سوره جمعه، فضل مسلمین بر آنان ذکر شده است (جمعه: ۶۲/۴). دیگر آنکه صف در دو موضع شکل می‌گیرد: قتال و نماز (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۱۲). در نماز جمعه صف بستن واجب است، همان‌گونه که در قتال نیز این امر لازم می‌گردد و لذا ذکر اهل کتاب و یهود و نصارا در سوره صف و آنگاه ذکر «مؤمنان» و خدعه یهود در جمعه می‌تواند سرآغاز پژوهشی جامع در مورد ارتباط ارگانیک این دو سوره باشد.

اگر بین دو سوره ارتباط ارگانیکی برقرار باشد مهم‌ترین رکن آن، وجود ارتباط محتوایی است و سایر ارکان در خدمت محتوا خواهد بود و اگر بتوان ارتباط محتوایی را کشف نمود گویی ارتباط ارگانیک تحقق یافته است.

دو سوره صف و جمعه ناظر به یک موضوع مشترک هستند و گویا در دو موقعیت متفاوت، خطایی از جانب مسلمانان رخ داده و خداوند ضمن اینکه آنان را به خاطر این خطایشان که ناشی از شناخت نادرست از خداوند بوده، مورد عتاب قرار می‌دهد، با بیان سرگذشت و توصیف اهل کتاب، آنان را به عبرت گرفتن از آنان وامی‌دارد. محور اصلی معارف این است که مؤمنان حق سرپیچی از دستور خدا را (چه سخن شفاهی پیامبر باشد و چه آیات کتاب خدا) ندارند و

۱. بد مثلی است مثل مردمی که آیات خدا را دروغ می‌شمرده‌اند؛ و خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

حجم قابل توجهی از آیات به آن‌ها پرداخته شده، به‌طور عام آن‌ها ایند که در مسیر «هدایت» نیستند و با دو تعبیر عمومی «فاسقین» و «ظالمین» از آن‌ها یاد شده است و در تأکید سخنان می‌فرماید که: ﴿... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (صف: ۶۱ / ۷؛ جمعه: ۶۲ / ۵). «کفر و تکذیب آیات الهی» یکی از وجوه مشترک جدی آیات مذکور در دو سوره صف و جمعه است که حاصل معنای «کفر و تکذیب آیات»، عدم التزام عملی به قرآن و رویگردانی از آن است (صف: ۶۱ / ۸-۶). در سوره جمعه همین دشمنان برای فریب مؤمنان، به‌دروغ، خود را اولیای الهی برشمردند که خدای متعال پرده از سخنان فریبنده‌شان برداشت و صفت کذب و ظلم را بار آنان ساخت (جمعه: ۶۲ / ۵-۸).

در سوره صف و جمعه، این رذیله مشترک (عدم تطابق قول و فعل) به اهل کتاب (یهود) تذکر داده شده و در سوره صف، با دیدی آسیب‌شناسانه، مؤمنان را مورد عتاب و خطاب قرار داده تا مبادا چنین باشند و در سلک و همراه همان دشمنان درآیند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبِيرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾^۱ (صف: ۶۲ / ۳-۲). به‌هر تقدیر، جان‌مایه معیار نخست دشمن‌شناسی، «عدم تطابق قول و فعل» و فعل غیرقرآنی است. معیار عینی و چشمگیر دیگری که در هر دو سوره برای شناخت دشمن بر آن تکیه شده، معیاری اقتصادی است و با دیدی آسیب‌شناسانه، محل‌گزند و مسبب‌الاسباب رخنه در ایمان مؤمنان را همین معیار اقتصادی معرفی کرده است. در این دو سوره، از تجارت، دو مفهوم متفاوت انتزاع کرده است. در یکی، تجارت در مفهوم ایمان به خدا و رسولش و جهاد در راه خدا با مال و جان تعبیر شده و آن را موجب نجات و رستگاری به شمار آورده است و در دیگری، به تجارت دنیوی اشاره شده که بنا به مصلحتی مؤمنان را به خاطر تحقق تجارت معنوی، از این تجارت نهی نموده و حتی آن را امری ناپسند و قرین لهو و لعب تفسیر کرده است؛ جالب اینکه آخر آیات موردنظر، از نظر تناسب آوایی از زیبایی یکسانی برخوردار است که در هر دو سوره می‌فرماید: ﴿... ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (صف: ۶۱ / ۱۱؛ جمعه: ۶۲ / ۹).

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنانی می‌گویید که به کارشان نمی‌بندید؟ خداوند سخت به خشم می‌آید که چیزی بگویید و به‌جای نیاورید.

۳-۷- عتاب مؤمنان

وجه مشترک بارز میان این دو سوره، عتاب مؤمنان است؛ در سوره صف، مؤمنان را به خاطر اینکه بدان چه می‌گویند عمل نمی‌کنند توبیخ می‌کند. زمینه آیات آغازین و پایانی سوره صف چنین می‌فهماند که گویا بعضی از مؤمنان قبل از جنگ، وعده پایداری داده بودند که به هیچ وجه پشت به جنگ نکنند و یا از انفاق در تهیه ابزار جنگ برای خود و دیگران مضایقه ننمایند، ولی در موقع عمل، خلف وعده کردند (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۹، ص ۴۲۱). اجتماع مسلمین در امر جهاد (صف) و نماز جمعه (جمعه) موجب تقویت مسلمین شده و آنان را از دشمن، چه دشمن بیرونی (کفار و اهل کتاب) و چه دشمن درونی (تفرقه و نفاق) حفظ خواهد نمود (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۹، ص ۴۲۵).

۴-۷- یادکرد از اهل کتاب

در سوره صف به این مسأله اشاره رفته است که بنی اسرائیل حضرت موسی (ع) را آزار دادند و خدای تعالی به کیفر این رفتارشان دل‌هایشان را منحرف ساخت. خداوند رحمت خود را از صاحبان چنین دلی دریغ داشته، هدایت خود را از آنان قطع کرد، (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۹، ص ۴۲۴) دیگر خلاف بنی اسرائیل و اهل کتاب، جادو خواندن قرآن است (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۹، ص ۴۲۹). در سوره جمعه یهودیان بیشتر مورد توجه قرار گرفته و بخش قابل توجهی از معارف این سوره به آن‌ها اختصاص دارد: ﴿يَسْ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَ لَا يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ قُلْ إِنْ الْمَوْتُ الَّذِي تُفْرُونَ مِنْهُ فَلِإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (جمعه: ۶۲ / ۸۵)

حاصل آیه این است که یهودیان مخاطب قرار گرفته و به ایشان گفته می‌شود: اگر معتقدید که تنها شما اولیای خدا هستید و نه هیچ کس دیگر، آرزوی مرگ کنید و خریدار آن باشید؛ برای اینکه ولی خدا و دوست او باید دوست‌دار لقای او باشد، شما هم که یقین دارید دوست خدا هستید و بهشت تنها از آن شما است (بقره: ۹۴ / ۲).

۵-۷- صفات خدا

در این دو سوره به صفاتی مشترک از خداوند اشاره شده است. عزیز، حکیم، هدایت‌کننده بودن و منزّه از هر عیب و نقص (تسبیح) صفتهایی است که به مورد توجه است و این صفات

با توجه به محتوای سوره‌ها بسیار تناسب دارد. چراکه خداوند در این دو سوره به موضوع فرستادن رسول از جانب خدا و عتاب مؤمنان به خاطر عدم پابندی و اجرای دستورات خدا، می‌پردازد؛ بنابراین خداوند به سبب هادی بودن، دینی برای آن‌ها مقرر نموده است و به سبب حکیم بودن، دینش از استحکام برخوردار و متقن است و اگر کسی از دستورات وی اطاعت نکند گردی بر کبریایی او ننشیند چون‌که خداوند عزیز است و منزّه است از ضعف و نقصان، گرچه عصیان‌گران چنین پندارند (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۹، ص ۴۴۵).

۷-۶- «ذکر» در سوره صف و جمعه

«ذکر» یکی از اسامی مهم «قرآن»، در خود قرآن کریم است که رسول‌الله به واسطه آن، تذکر می‌دهد و تمام وظیفه او نیز همین تذکر است؛ تفصیل این وظیفه در آیه ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾^۱ (جمعه: ۶۲/۲) بیان شده است. رویگردانی از قرآن در حقیقت غفلت از همین «ذکر» است که «کفر و تکذیب» نام گرفته و دشمن هم به خاطر همین کفر و تکذیب دشمن شمرده شده است.

دقت در آیات هر دو سوره صف و جمعه به وضوح نشان می‌دهد که مانع اصلی در تذکر آدمیان و عامل اساسی در رویگردانی از ذکر و تکذیب آیات الهی، مسائل اقتصادی است. در سوره جمعه دو بار این تقابل ذکر شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۲ (جمعه: ۶۲/۹) و ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾^۳ (جمعه: ۶۲/۱۱) و همین معنا در سوره بعد از صف با عبارتی مشابه مورد تأکید قرار گرفته است ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ

۱. اوست خدایی که به میان مردمی بی‌کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگرچه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون ندای نماز روز جمعه در دهند، به نماز بشتابید و داد و ستد را رها کنید. اگر دانا باشید، این کار برایتان بهتر است.

۳. و چون تجارتي یا بازیچه‌ای بیند پراکنده می‌شوند و به جانب آن می‌روند و تو را همچنان ایستاده رها می‌کنند. بگو: آنچه در نزد خداست از بازیچه و تجارت بهتر است؛ و خدا بهترین روزی‌دهندگان است.

هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۱ (منافقون: ۶۳ / ۹). حاصل کلام اینکه دل‌بستگی و وابستگی به مال و تجارت، مانع اصلی توجه به ذکر خدا، تذکر و تزکیه است.

حال، مسلمینی که بناست به واسطه رسول‌الله «هدایت» شوند و «تزکیه و تعلیم» شوند (جمعه: ۶۲ / ۲) و دینشان بر تمام ادیان برتری یابد (صف: ۶۱ / ۹)، نیاز به راهبردی برای رسیدن به چنین اهدافی دارند که آن راهبرد و نسخه اصلی الهی، همان «ذکر» و همین «سبیل‌الله» (صف: ۶۱ / ۱۱) است. به بیان دیگر، اشعار به رهنی اموال و اولاد و بیع و تجارت و استفاده از هر فرصتی برای پشت‌سرنهادن و رها کردن آن‌ها، تأمین‌کننده تذکر است و این راهکار اصلی، ذیل عنوان «انفاق و صدقه» می‌گنجد (صف: ۶۱ / ۱۱).

با قدری دقت در دو سوره مزبور و توجه به مفاهیم «جهاد و قتال» (صف: ۶۱ / ۴ و ۱۱)، «تمنای موت» (جمعه: ۶۲ / ۶) و دقت بیشتر در رکوع دوم سوره جمعه، فضای نظامی و دفاعی سوره جمعه، همچون «صف»، آشکار می‌شود. توضیح اینکه زمینه سوره صف و حال و هوای قتال در آن از یک‌طرف و نیز دشمنی و مقابله اهل کتاب در آغاز سوره جمعه از سوی دیگر، نشان از همسانی این دو سوره دارد. در رکوع اول سوره جمعه، کار محاجه با آن‌ها به تهدید نیز می‌انجامد (جمعه: ۶۲ / ۶). سرانجام در رکوع دوم، دستور نماز جمعه به‌منزله نوعی آماده‌باش نظامی تلقی می‌شود؛ آماده‌باشی که ویژگی «صَفًّا كَانَهُمْ بَيْنَ مَرْصُوصٍ» (صف: ۶۱ / ۴) را نیز دارد. چراکه در نماز جمعه، واجب است مانند میدان جنگ صف ببندند، امام اسلحه به دست بگیرد و مأموم گوش‌به‌فرمان او باشد. شکل فوریتی و سرعتی اعلان و تجمع نماز جمعه در این سوره نیز تأییدی بر این مطلب است. نماز جمعه به‌نوعی تمرین واکنش سریع نظامی در کنار بحث محتوایی آن (ذکر) است. این واکنش سریع از کنار هم قرار دادن دو تعبیر «... فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ...» و «فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ» (جمعه: ۶۲ / ۱۰-۹)، بلافاصله پس از اعلان آماده‌باش نماز «... إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا...» (جمعه: ۶۲ / ۹)، قابل استنباط است. چنانچه اگر نماز جمعه، ماهیت نظامی نمی‌داشت، دویدن و رساندن سریع خویش به محل نماز و نیز پس از اتمام کار، متفرق شدن از محل اردوی نظامی، اسلحه به دست گرفتن امام و ایستاده بودن او و... بی‌معنا می‌نمود. این نکات و مفاهیم قابل استنباط دیگر، نشانگر تمهیدات دشمن‌شناسانه،

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولاد شما را از ذکر خدا به خود مشغول ندارد، هر که چنین کند زیانکار است.

دشمن‌ستیزانه و پیشگیرانه قرآن کریم در سوره جمعه است که کاملاً مکمل سوره صف است (عندلیبی، ۱۳۸۱، صص ۱۱-۱۲).

۸- ارتباط کلامی و موسیقایی سوره صف و جمعه

دو سوره صف و جمعه از لحاظ کلامی و هندسه لفظی از چندین زاویه با هم در ارتباط هستند:

الف- سرآغاز هر دو سوره با تسبیح خدای متعال شروع می‌شود: ﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (صف: ۶۱ / ۱)؛ ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (جمعه: ۶۲ / ۱). باید گفت که تسبیح در سوره صف و جمعه همچون همه سوره مسبّحات، از روی حکمت، با اشکال مختلف آمده است. مهم‌ترین تصویرپردازی فنی همه سوره مسبّحات، اشکال متعدد تسبیح در این سوره‌هاست به طوری که در یک جا مفهوم عام تسبیح با هیئت مصدر و مفعول مطلق نوعی به کارگیری شده است: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ...﴾ (اسراء: ۱۷ / ۱) و جای دیگر با آوردن فعل ماضی و فاعلیت تمام موجودات عالم، به اتقان موضوع تأکید دارد: ﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾ (حدید: ۵۷ / ۱؛ حشر: ۵۹ / ۱؛ صف: ۶۱ / ۱) و در دو سوره بعدی با به کارگیری فعل مضارع، استمرار تسبیح و تقدیس تمامی موجودات عالم را به زیبایی تمام به تصویر کشیده است: ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...﴾ (جمعه: ۶۲ / ۱؛ تغابن: ۶۴ / ۱) و در جایگاهی دیگر به خاطر اهمیت موضوع، با آوردن صیغه امر، بهترین بنده خود را به تسبیح پروردگار بلندمرتبه امر می‌کند: ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ (اعلی: ۸۷ / ۱) و در پایان در یک جمع‌بندی جامع، ضمن تأکید بر همه موارد تسبیح به وسیله تمامی موجودات آسمانی و زمینی، اعلام می‌دارد که خدای متعال، مقدس و منزّه از همه آن چیزهایی است که شما نسبت به تسبیح آن مشغول هستید، آنجا که فرمود: ﴿سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا تَسْبِيحٌ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَّا تُفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾^۱ (اسراء: ۱۷ / ۴۳-۴۴)

۱. منزّه و بلندمرتبه است از آنچه درباره‌اش می‌گویند و او برتر و بالاتر است. هفت آسمان و زمین و هر چه در آن‌هاست تسبیحش می‌کنند و هیچ موجودی نیست جز آنکه او را به پاکی می‌ستاید، ولی شما ذکر تسبیحشان را نمی‌فهمید، او بردهار و آمرزنده است.

تصویر قرآن در ترسیم صحنه‌های هستی در حالت تسبیح خداوند، زیباترین شکل هندسی را به خود اختصاص داده است تا اینکه در احساس آدمی ترس و خشوع در برابر صحنه‌ها می‌افکند (راغب، ۱۳۸۷، ص ۲۵۹).

ب- کاربرد صنعت تسبیح معنادار متعدد، هم از نظر معنایی و هم از لحاظ موسیقایی در سوره صف و جمعه قابل تأمل است. به طوری که آخر آیات آغازین هر دو سوره به ﴿الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ به خاطر تأکید بر سبحانیت و قداست و بی‌نیازی خدای متعال ختم شده است که این دلالت بر محوریت صفت عزیز و حکیم با مقامات و رسالت رسول اکرم (ص) در این دو سوره دارد. کار انبیا ارتباطی مستقیم با دو صفت «عزیز و حکیم» داشته و ماهیت رسالت با نظر به این دو صفت قابل بررسی است. یعنی کار رسولان که حامل این دو ارزش هستند، رساندن امت به عزت و حکمت است یعنی نجات آن‌ها از ذلت بردگی فراعنه و قیصرها و کسری‌ها و هوای نفس و سوق دادن آن‌ها به عزت بندگی خدا و هدایت آن‌ها از جهل و خرافه و آلودگی به شرک و کفر و نفاق، به علم و آگاهی و رفتار حکیمانه خالی از خودخواهی و خلل دنیاپرستی.

در مفهوم «عزت»، قدرت و قاهریت و غلبه قرار گرفته است و در مفهوم حکمت، تزکیه و تربیت و آگاهی. معنای «تسبیح» آسمان‌ها و زمین برای خداوند عزیز و حکیم که در ابتدای بیشتر سوره‌های این مجموعه آمده نیز همین است (بازرگان، ۱۳۷۲، ج ۳، صص ۱۴۲-۱۴۵).

کاربرد واژه ﴿مُبِينٌ﴾ در (صف: ۶/۶۱؛ جمعه: ۲/۶۲)؛ ﴿... وَاللَّهُ لَأَيُّهَا الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ در (صف: ۶۱/۷؛ جمعه: ۵/۶۲، ۷) و ﴿الْفُوزِ الْعَظِيمِ﴾ در (صف: ۶۱/۱۲) و ﴿الْفَضْلَ الْعَظِيمِ﴾ در (جمعه: ۴/۶۲) و ﴿... ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ در (صف: ۶۱/۱۱؛ جمعه: ۹/۶۲) بخش دیگری از همسانی و ارتباط موسیقایی و کلامی این دو سوره است که بار معنایی مشترکی را نیز به اثبات می‌رساند.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم معجزه همه عصرهاست. دو سوره صف و جمعه از میان سوره‌های هفتگانه مسبحات از آهنگ موسیقایی ویژه و ارتباط خاص ارگانیک کلامی و محتوایی برخوردارند. هر دو سوره با تسبیح خدای متعال با محوریت دو صفت «عزیز» و «حکیم» آغاز می‌شود و نکوهش بنی اسرائیل و قوم یهود و تنبّه به جایگاه رسالت و قرآن و عنایت به تجارت سودمند دنیوی و اخروی و

تأکید ویژه بر اقامه نماز جمعه از وجوه مشترک این دو سوره است. به نظر می‌رسد با بررسی‌های موشکافانه‌تر می‌توان به زوایای دیگری از این سوره‌ها پی برد. نتایجی که از تحقیق حاضر به‌طور خلاصه برداشت می‌شود:

- ۱- گویا این دو سوره در فضای نزول و یا با سبب نزولی شبیه به هم نازل شده‌اند.
- ۲- در این دو سوره، معارف با محور کلی «عدم سرپیچی از فرمان خدا» بیان شده و تفاوت آن‌ها در بیان مصداق دستور است. در سوره صف دستور خدا همان سخن و دستور شفاهی پیامبر (ص) است و در سوره جمعه مراد از دستور خدا، معارف بیان‌شده در کتاب خداست.
- ۳- با توجه به وجود رابطه ارگانیک بین این دو سوره، دو احتمال مفروض است؛ اول اینکه ترتیب این دو سوره توقیفی باشد و دوم اینکه چینش این دو سوره کار صحابه باشد؛ بدین گونه که صحابه با توجه به هماهنگی بین معارف این دو، آن‌ها را در کنار هم قرار داده‌اند. دلیل قطعی برای ترجیح یکی از این دو احتمال در دست نیست؛ بنابراین در حد فرضیه باقی خواهند ماند.
- ۴- محور اصلی در ارتباط ارگانیک بین این دو سوره، محتوا و معارف آن‌ها است و تصویر هنری و موسیقی کلام در خدمت متن و محتوا قرار دارد.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید

۱. ابن عاشور، محمدطاهر؛ *التحریر و التنویر*؛ بی‌جا، بی‌تا.
۲. بازرگان، عبدالعلی؛ *نظم القرآن*؛ تهران: انتشارات قلم، ۱۳۸۱ ش.
۳. بحرانی، سیدهاشم؛ *البرهان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: نشر بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۴. بستانی، محمود؛ *ادب الشریعة الاسلامیة*؛ قم: مؤسسه سبطين العالمیة، ۱۳۸۲ ش.
۵. بل، ریچارد؛ وات، مونتگمری؛ *درآمدی بر تاریخ قرآن*؛ ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، قم: مرکز ترجمه، ۱۳۸۲ ش.
۶. بلاشر، رژی؛ *در آستانه قرآن*؛ ترجمه: محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۷. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم؛ *قرآن ناطق*؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۸. شاه‌عبدالعظی، حسین؛ *تفسیر اثنا عشری*؛ تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش.
۹. خامه‌گر، محمد؛ *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. خواجه‌ی، محمد؛ *ترجمه تفسیر سورة الجمعة صدر المتألهین*؛ تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۳ ش.
۱۱. رازی، ابوالفتح؛ *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، ۱۴۰۸ ق.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *المفردات فی غریب القرآن*؛ مترجم: حسین خدایرست، قم: نوید اسلام، ۱۳۹۰ ش.
۱۳. راغب، عبدالسلام احمد؛ *کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم*؛ مترجم: سید حسین سیدی، تهران: سخن، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ *سیمای سوره‌های قرآن*؛ قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. زحیلی، وهبة بن مصطفى؛ *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*؛ بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
۱۶. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ *البرهان فی علوم القرآن*؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. سبحانی، جعفر؛ *منشور جاوید*؛ قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۵ ش.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین؛ *تناسق الدرر فی تناسب السور*؛ بیروت: بنایة الایمان، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. شحاته، عبدالله محمود؛ *اهداف کل سوره و مقاصدها فی القرآن الکریم*؛ بیروت: المكتبة العصرية، ۱۹۸۶ م.
۲۰. صدر، محمدباقر؛ *دروس فی علم الاصول*؛ قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیة للشهید الصدر، ۱۴۲۶ ق.
۲۱. طباطبائی، سید محمدحسین؛ *تفسیر المیزان*؛ مترجم: موسوی همدانی، تهران: بنیاد علامه طباطبائی، ۱۳۶۶ ش.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۳، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ *تفسیر نورالثقلین*؛ ج ۴، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم؛ *طبقات مفسران شیعه*؛ ج ۴، قم: نوید اسلام، ۱۳۸۷ ش.
۲۵. قرشی، سید علی‌اکبر؛ *تفسیر احسن الحدیث*؛ تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
۲۶. لوبون، گوستاو؛ *تمدن اسلام و عرب*؛ مترجم: سید هاشم حسینی، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة، ۱۳۴۷ ش.

۲۷. مدرسی، محمدتقی؛ تفسیر هدایت؛ مترجم: احمد آرام، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، ۱۳۷۷ ش.
۲۸. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۹. نوری، حسین بن محمدتقی؛ مستدرک الوسائل؛ قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
۳۰. مدرسی، سید محمدتقی؛ تفسیر من هدی القرآن؛ تهران: نشر دار محیی‌الحسین، ۱۴۱۹ ق.
۳۱. معرفت، محمدهادی؛ علوم قرآن؛ قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۸ ش.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۳. اکبری دستک، فیض‌اله؛ «ملاصدرا و روش وی در تفسیر سوره جمعه»؛ فصلنامه حکمت و فلسفه، ش ۳، ۱۳۸۹ ش.
۳۴. ایشانی، طاهره؛ نعمتی، معصومه؛ «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناختی»؛ مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ش ۲۷، ۱۳۹۲ ش.
۳۵. حسین زاده، لیلا؛ «تناسب و ارتباط میان سوره‌های قرآن»؛ بنیاد علوم و معارف اسلامی، نشریه تدبیر، ۱۳۹۰ ش.
۳۶. ریچارد نتون، ایان؛ «به سوی تفسیر مدرن سوره کهف؛ ساختار و نشانه‌شناسی»؛ مترجم: ابوالفضل حرّی، ماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد کتاب دین، شماره ۱۸۷، ۱۳۹۲ ش.
۳۷. زمانی، محمدحسن؛ قانع اردکانی، علی؛ «نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن»؛ دو فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۱۲، ۱۳۹۱ ش.
۳۸. عندلیبی، عادل؛ «ساختار سوره جمعه، بحثی در تبیین مفهوم نماز جمعه در سوره جمعه و سور مجاور با تکیه بر تناسب آیات»؛ نشریه گلستان قرآن، مرداد، شماره ۱۲۱، ۱۳۸۱ ش.
۳۹. قائمی نیا، علیرضا؛ «دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن»؛ دو فصلنامه قرآن و علم، شماره ۱، ۱۳۸۶ ش.